

مجازات عدم شرکت در انتخابات

در سال ۱۳۲۷ اولین کشوری که برای عدم شرکت در انتخابات مجلس شورایی ملی یا امتناع از دادن رأی کیفری تعیین نمود کشور ایتالیا بوده و سپس دو کشور دیگر (فنلاند و چک اسلواکی) از قانون مزبور که ابتکار ایتالیائیها بود پیروی نموده در قوانین کیفری خود مقرراتی برای امتناع از دادن رأی قائل و جرم عدم مشارکت در انتخابات را از جرایم عمومی و در حدود جناحه دانستند البته از جهت طبقه بندی قوانین قانون مزبور از قوانین موضوعه و مربوط بحقوق مصنوعه و تحقق ذاتی خارجی است و عنصر اخلاقی و معنوی در آن دخالتی نداشته و قصد و نیت و عمد مؤثر در آن نخواهد بود.

بحث ما در اطراف صحت مبنای حقوقی آن و اینکه آیا چنین قانونی استوار بر رکن اصلی حقوق (عدالت) است یا خیر؟ و قانون مزبور تا چه حد مخالف و مغایر حقوق طبیعی یا حقوق ادملی بشر است . بدیهی است اصل آزادی اصلی است که مورد قبول تمام کشورهای جهانی است .

موضوع دیگری که مفروق عنه است و بساید متذکر بود این است که نمایندگان منتخبه مجلس یا مجلسین یا هر شورائی که حاکم باشد و کلاء ملت نیستند و بنا بر این احکام مربوط بوکالت درباره آنها جاری نخواهد بود و اینکه در بعضی از نوشتجات و روزنامهها و حتی در بعضی از مجلات حقوقی آنان را بنام وکیل یا وکلاء ملت میخوانند مبنی بر اشتباه و حاکمی بر تمام در کلام است . و فقط میتوان آنان را منتخبین ملت دانست و اگر در بعضی جهات شباهت بوکیل دارند مستلزم اطلاق کلمه وکیل بآنان نخواهد بود.

یکی از مراتب تمایز بارز و برجسته آن سمتی است که برای عموم افراد ملت دارند مثلا در کشور ما يك وکیل دارالشورای نماینده شانزده میلیون و نیم جمعیت ایران است و حال آنکه رأی دهندگان یا انتخاب کنندگان او شاید بصد هزار نفر نرسند آنهم محدود و منحصر بيك شهرستان یا يك بخش است ولی بمحض قبول نمایندگی نماینده کلیه سکنه ایران

شناخته میشود و آراء و نظریات او درباره کلیه سکنه و لو غیر موکلین او جاری است بنابراین باید گفت مشارالیه هم و کیسـل ملت نیستند و مشمول موضوع وکالت مندرج در باب وکالت در قانون یا قوانین مدنی ملل نخواهند بود تا از لحاظ اجبار موکلین وکالت آنانرا غیر قانونی شناخت و از این جهت - تعیین کیفر برای ممتنعین و اجبار و الزام قانونی آنانرا بمشارکت در انتخابات موثر در تزلزل اساسی وکالت دانست. بلکه مقصود ما از لحاظ آزادی فردی است که اگر کسی مایل نشود در تعیین حکومت یا انتخابات مجلس شرکت کند آیا این عمل را میشود جرم تلقی نمود؟

اگر بفلسفه و روح قوانین جزائی توجه شود و منظور از مشقتی را که جاده بر مجرم تحمیل مینماید مورد نظر قرار گیرد - صرف نظر از از تنبیه مجرم و عبرت مردم و جلوگیری از وقوع جرایم و تسکین معنی علیه و ایجاد یا برگرداندن عدالت بیشتر فلسفه مجازات روی محور حفظ انتظام و نظام اجتماعی دور میزند و میتوان مبنای دیگری مندرج در فوق از قبیل تنبیه مجرم و تسکین معنی علیه و غیره را در همین محور یافت.

پس تعیین مجازات بر هر امری که در حال یا آینده مغل یا مخالف نظام اجتماعی باشد نه تنها سودمند و مفید میباشد بلکه اساس و پایه مجازاتها روی این اصل بنا شده و عدم دخالت و مشارکت در انتخابات بالقوه ممکن است موجب مخالفتها چه با قوانین موضوعه از طرف منتخبین و چه با حکومتهای مواد گردد - بنا بر این با تعیین مجازات و جرم دانستن موضوع بنظر اینجانب اشکالی وارد نخواهد بود و برای اینکه در این باب بیشتر بحث کرده باشیم بر میگرددیم باز منته سابق .

درفعه اسلامی بابی در واجبات بنام واجبات کفائی هست که امری را مقنن برای عموم افراد ملت واجب شمرده و آنرا حق جامعه بدوش یا ذمه کلیه افراد ملت فرض کرده لیکن در موقع عمل بحق یا اجرای حق هر گاه حق مزبور از طرف یک فرد یا یک جمعی از کل ملت اجرا گردید موجب سقوط حق جامعه از سایرین گردیده و سایر افراد مردم که داخل در آن جمع نبوده اند و هیچ اقدامی هم نکرده اند دیگر تکلیفی نخواهند داشت. سیره و روشی که تاکنون در کشورهای جهانی و بین ملل دنیا از لحاظ تعیین حکومتهای خود یا انتخاب و کلاء مجالس مقننه یا تعیین

نمایندگان وجود داشته منطبق باباب (واجب کفائی) در اسلام بوده و هرکسی آزادانه می‌توانسته درانتخابات شرکت نموده و نمایندگان تعیین نماید لیکن پس ازتعیین ازطرف عده‌حق‌جامعه نسبت به‌ممتنعین ازشرکت ساقط میگردید درکشور ما ایران نیز این‌اصل رعایت میشد که اشخاصی که دارای شرایط معینی بودند از طرف افرادی که مایل بودند شرکت درانتخابات نمایند بسمت وکالت یا نمایندگی تعیین میشدند و اشخاصی هم که مایل نبودند اصلاً شرکت نمی‌کردند.

اخیراً حقوق‌دان‌های جهانی متوجه شدند که عدم شرکت و مداخله عده از اهل کشور در انتخابات و تعیین منتخبین باعث گفتگوها و نزاع‌های سیاسی گردیده و بسا اوقات از نظر فعالیت و اقداماتی که یکدسته و بایک حزب هر قدر هم که کوچک بودند و عدم دخالت سایر مردم قضیه بنفع آن حزب تمام شده و بعدها موجب تاشاجراتی گردیده - به‌لاوه و کلاء منتخبه هم همیشه سعی داشتند جانب موکلین اصلی خود را که با آنان رأی داده‌اند نگاهدارند و نسبت باشخاصی که اصلاً شرکت نکرده و رأی نداده اند بی‌توجه باشند و بسا از قوانینی که از طرف این عده و ضم شده بنفع طبقه یا حزب و دسته معینی بوده و منافع عمومی و کلی مورد نظرشان قرار نگرفته و از طرف دیگر قوانین موضوعه از طرف و کلاء منتخبه همیشه مسود انتقاد غیر موکلین واقع و خود را موظف نمیدیدند که از آراء و عقاید و قوانین موضوعه از طرف عده که از طرف آنها معین نشده بودند پیروی نمایند و در مقام بحث هم نمی‌توانستند مسؤلیت را متوجه خود آنان نمایند زیرا در تعیین مقننین آنها دخالتی نکرده بودند - و از نقطه نظر حقوقی هم حق با آنها بود زیرا عدم شرکت در انتخابات را فقط از نظر حقوقی ممکن است با عراض از حق تلقی کرد لیکن نمی‌شد باطاعت از قانونی که دیگری وضع کرده‌است آنان را اجبار نمود خلاصه اینکه اعراس از حق قانونگزاری موجب اطاعت از قانون موضوعه از طرف دیگران نمیشد. و از طرف دیگر چون اصل اجتماع در محیط امری مسلم است و دیگر انسان منفرد در جهان وجود خارجی ندارد تماثل و عدم تماثل و رضایت و عدم رضایت در موضوع مشهود مؤثر نبوده و چون حکومت ناظم اجتماع است و اجتماع هم بحکم عقل و هم بحکم عدالت اجبار با تنظیم دارد پس شرکت در تعیین حکومت یا تشکیل حکومت که ناظم اجتماع است باید اجباری

باشد - بنا براین میتوان گفت که اگر از موضوع وکالت صرف نظر شود و موضوع حکومت که قوه آن ناشی از ملت است مورد نظر قرار گیرد اجبار بشرکت در تعیین حکومت که قوه اصلی آن از ملت است یکی از قوانین بسیار نافع و منطبق با موازین حقوقی است هر چند که قسمتی از حقوق طبیعی را محدود نماید و شاید قریباً کلیه ملل جهانی و من جمله کشور ایران نیز اصل شرکت اجباری در تعیین حکومت و الزامی قرار دادن انتخابات را قبول و برای متخلف از آن کیفر و مجازات تعیین نمایند.

پاسخ به پرسش

در پاسخ به سئوالات مطرح شده در شماره ۴ مجله جوانهای زیر رسیده که با خنده و نظر آقایان درج میشود:

۱ - از آقای محمد مجید از تهران *سازمانی و مطامعات فرنگی*
آقای مجید بطور کلی فراترین را از نظر ملرز اجراء آن مفید یا مضر تشخیص داده اند و در عین حال قانون آمار و ثبت احوال را مفید تر دانسته اند و دلائلی ذکر کرده اند:

اولا - قانون مزبور اختصاص بطبقه معینی ندارد و شامل تمام افراد کشور است.

ثانیا - در مورد ازدواج از این قانون استفاده میشود و حتی الامکان تناسب سن زوجین بوسیله این قانون رعایت میشود.

ثالثا - معرفت هويت اشخاص است و از این جهت موارد استفاده متعدد دارد.

در باب مضر ترين قانون آقای مجید استخدام دکتر میلیسپو